



نه به انگلیسی

ساده‌ترین معادل برای نه به انگلیسی "no" هست، البته می‌توانید از عبارات زیر هم برای گفتن نه استفاده کنید.

No.
(نه)

Nope.
(نه)

No thanks, I won't be able to make it.
(نه ممنون، نمی‌توانم انجامش دهم)

Not this time.
(نه، این بار نه)

No thanks, I have another commitment.
(نه ممنون، قرار دیگری دارم)

Unfortunately, it's not a good time.
(متأسفانه فرصت مناسبی نیست)

Sadly I have something else.
(متأسفانه کار دیگری دارم)



Unfortunately not.

(متأسفانه نه)

I have something else.

(من کار دیگری دارم)

Sorry.

(شرمنده)

Apologies, but I can't make it.

(معذرت، ولی نمی‌توانم)

Maybe another time.

(شاید وقت دیگری)

Sounds great, but I can't commit.

(عالی به نظر می‌رسد، ولی نمی‌توانم قول بدهم)

I'm booked into something else.

(من مشغول کار دیگری هستم)

I'm not able to make that time.

(من نمی‌توانم آن موقع انجامش دهم)

Thanks, but no.

(ممنون، ولی نه)



I'm not able to make it this week/month/year.

(من نمیتوانم این هفته/ماه/سال انجامش دهم)

I've got too much on my plate right now.

(آلان خیلی سرم شلوغ است)

I'm not talking on anything else right now.

(من آلان درباره چیز دیگری حرف نمی‌زنم)

I won't be able to make it work.

(من نمیتوانم آن را به کار بیندازم)

I wish I could make it work.

(ای‌کاش می‌توانستم آن را به کار بیندازم)

Not possible.

(امکانش نیست)

I wish I were able to.

(ای‌کاش می‌توانستم)

I wish I could.

(ای‌کاش می‌توانستم)

I'd love to – but can't.

(دوست دارم - ولی نمیتوانم)



I'm slammed.

(من خیلی سرم شلوغ است)

Perhaps next time.

(شاید دفعه بعد)

I'm at the end of my rope right now so have to take a rain check

(اصطلاح: دوست دارم ولی آآن نمی‌توانم)

If only it worked.

(ای‌کاش می‌شد)

I'll need to bow out.

(من باید کنار بکشم)

I'm going to have to exert my NO muscle on this one.

(اصطلاح: باید بگویم نه)

I'm taking some time.

(به کمی زمان نیاز دارم)

Thanks for thinking of me, but I can't.

(ممنون که به فکر منی، ولی نمی‌توانم)



Nah.

(نه)

No way.

(اصلاً)

Darn! Not able to fit it in.

(لعنتی! نمی‌توانم)

Don't talk about it.

(درباره‌اش حرف نزن)

I'm a season of NO.

(اصطلاح: پاسخ من منفی است)

I'm not the one for you on this one.

(در این مورد من گزینه مناسبی برای تو نیستم)

I'm learning to limit my commitments.

(دارم یاد می‌گیرم که کمتر قول بدهم)

I'm not talking on new things

(من درباره چیزهای ساده حرف نمی‌زنم)

Another time might work.

(شاید دفعه بعد جواب داد)



It doesn't sound like the right fit.

(این مناسب به نظر نمی‌آید)

I don't want to.

(نمی‌خواهم)

I'm not sure I'm the best for it.

(مطمئن نیستم من بهترین باشم برای این)

No thank you, but it sounds lovely.

(نه ممنونم، ولی خوب به نظر می‌آید)

It sounds like you're looking for something I'm not able to give right now

(ظاهراً من آنی نیستم که دنبالش هستی)

I believe I wouldn't fit the bill, sorry.

(اصطلاح: فکر کنم من گزینه مناسبی نیستم)

It's not a good idea for me.

(ایده‌ی خوبی برای من نیست)

Not now.

(آلان نه)



I'm trying to cut back.

(دارم سعی می‌کنم کمتر انجامش بدم)

I won't be able to help.

(من نمی‌توانم کمک کنم)

If only I would.

(ای‌کاش می‌کردم)

I'm not able to spend any time.

(من نمی‌توانم وقت بگذارم)

I won't be able to dedicate the time I need to it.

(من نمی‌توانم وقتی را صرف کنم)

I head-down right now on a project, so won't be able to

(من تماماً درگیر پروژه‌های هستم پس نمی‌توانم)

I wish there were two of me.

(اصطلاح: وقت ندارم)

I'm honored, but I can't.

(باعث افتخاره ولی نمی‌توانم)



I can't give you an answer right now, will you check back with me?

(آلان نمی‌توانم به تو پاسخی بدهم. آیا بعداً به سراغم می‌آیی؟)

I'm not able to commit to that right now.

(آلان نمی‌توانم قولی بدهم)

I really appreciate you asking me, but I can't do it.

(ممنونم که از من خواستی ولی نمی‌توانم)

I understand you really need my help, but I'm just not able to say yes to that. I'm so sorry

(می‌فهمم که به کمک من نیاز داری ولی نمی‌توانم پاسخ مثبت بدهم. خیلی متأسفم)

I'm going to say no for now. I'll let you know if something changes

(آلان باید بگویم "خیر". اگر تغییری رخ داد بهت می‌گویم)

I'm honored that you would ask me, but my answer is.

no
(باعث افتخار من است که از من خواستی ولی پاسخ من منفی است)

No, I can't do that, but here's what I can do

(نه نمی‌توانم ولی می‌توانم این کار را بکنم)



I don't have that to give right now.
(آلان نمی‌توانم قول آن را بدهم)

Under different circumstances, I'd love to, but right now I can't
(در شرایطی دیگر می‌خواستم ولی آلان نمی‌توانم)

I want to, but I'm unable to.
(می‌خواهم ولی نمی‌توانم)

I'm not able to do more than my share.
(من نمی‌توانم بیشتر از سهمم انجام دهم)

I'd like to, but I know I'll regret it.
(دوست دارم ولی میدانم که پشیمان می‌شوم)

I can't take on any more responsibilities.
(من نمی‌توانم مسئولیت بیشتری بگیرم)

I can't do what you're asking.
(نمی‌توانم کاری که می‌گویید را انجام دهم)

I can help you out next weekend instead.
(در عوض می‌توانم آخر هفته بعد کمک کنم)



Let me think about that.

(بگذار درباره آن فکر کنم)

Here's what will work for me.

(این چیزی است که برای من کار می‌کند)

Can I get back to you?

(آیا می‌توانم بعداً به سراغ تو بیایم؟)

That doesn't work for me

(این برای من جواب نمی‌دهد)

I'm sorry I'm busy.

(متأسفم من سرم شلوغه)

Thanks for thinking of me. I really wish I could.

(ممنون که به فکرم بودی. ای‌کاش واقعاً می‌توانستم)

I'd love to, but I'm already over committed.

(دوست دارم، ولی مسئولیت زیادی دارم)

Unfortunately, that's not something I can do at this time

(متأسفانه این کاری نیست که بتوانم آلمان انجام دهم)

No thanks.

(نه مرسی)



I'm already booked.

(اصطلاح: درگیرم)

Maybe next time.

(شاید دفعه بعد)

I don't think I'm the right person to help with that.

(فکر نکنم شخص درستی برای آن باشم)

Sorry I can't help you this time.

(متأسفم نمی‌توانم این دفعه به تو کمک کنم)

Sounds fun, but I'm not available.

(بامزه به نظر می‌آید ولی مشغولم)

That's not going to work for me.

(این برای من جواب نمی‌دهد)

Sorry no can't do.

(متأسفم نمی‌توانم)

How about no?

(نه چگونه؟)

Not in this lifetime.

(هرگز)



Listen, I have to get going, but thanks for asking.
(گوش کن باید بروم ولی ممنون که پرسیدی)

Sounds tempting, but I'll have to pass.
(وسوسه کننده به نظر می‌آید ولی باید رد کنم)

it's not my thing.
(موردعلاقه من نیست)

My body says yes, but my heart says no.
(خودم می‌گویم بله ولی دلم می‌گوید نه)

Look! Squirrel.
(ببین سنجاب- برای دک کردن کسی)

I have other plans tonight.
(امشب برنامه‌های دیگری دارم)

Let me check my calendar
(بگذار تقویمم را چک کنم)